

رابطه هجرت و تشکیل دولت نبوی

دکتر مهدی صلاح

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

فاطمه بر خورداری (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد محلات، محلات، ایران

چکیده

با شدت گرفتن آزارهای قریش و انسداد دعوت اسلامی در سال دهم بعثت، پیامبر اسلام(ص) در جستجوی اقوام و قبایل دیگر برآمد که دل‌هایشان آمادگی بیشتری برای پذیرش دعوت داشتند و امید می‌رفت که خاک سرزمینشان برای نشو و نمای اسلام مناسب و مساعدتر باشد. از این جهت به طائف سفر کرد ولی با عدم استقبال آنها دوباره به مکه بازگشت و در بین حجاج به تبلیغ پرداخت. پیامبر در دیدار یثربیان آنها را به اسلام دعوت کرد. با پذیرش اسلام و دعوت پیامبر به مدینه توسط یثربیان، هجرت و مبدأ تاریخ اسلام رقم خورد و پایه‌های دولت نبوی شکل گرفت. این نوشتار به شیوه توصیفی - تحلیلی درصدد است رابطه هجرت و تشکیل دولت نبوی در مدینه را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: اسلام، دولت نبوی، هجرت، مدینه، پیامبر

مقدمه

سال دهم بعثت سالی آکنده از رنج و درد و فشار سنگین مشرکین مکه بر مسلمین و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بود. پیامبر با از دست دادن دو حامی و عزیز خود؛ حضرت خدیجه و ابوطالب، به غم و اندوه جانکاه و مضاعف دچار شد. آزار و اذیت مشرکان مکه سرزمین مقدس وحی را خفقان آور کرده و بر همین اساس پیامبر منتظر اذن الهی برای هجرت بود. رسول خدا اگر چه مکه را بسیار دوست می‌داشت اما ناگزیر بود پیشرفت اسلام و آسایش مسلمین را در سرزمین دیگری بجوید و تقدیر خداوند بر یثرب قرار گرفت. چرا که قلبهای مردمانش آمادگی بیشتری برای پذیرش دعوت داشت و امید می‌رفت که سرزمین شان برای نشو و نمای اسلام مناسب و مساعدتر باشد.

هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مدینه مسئله بسیار مهمی در زندگی ایشان و تاریخ اسلام گردید و از همین شهر، رسول خدا موفق به ایجاد امتی یکپارچه و تشکیل «امت واحده» شدند، هجرت در تاریخ اسلام برای همیشه در خاطر مسلمانان جاودان ماند و از روزگار رسول خدا مبدأ تاریخ گردید. (منتظرالقائم، ۱۳۸۹:ص ۱۱۸)

پیامبر گرامی اسلام (ص) در دوران ده سال پایانی رسالت به طور عینی رهبری جامعه‌ی اسلامی را به عهده داشتند و با تشکیل دولت اسلامی در عرصه‌های مختلف حیات سیاسی و نظامی مسلمین، این امور را در کنار انجام وظیفه‌ی رسالت الهی، رهبری می‌کردند.

این مسئله به قدری روشن است که مخالفان ارتباط دین و حکومت نیز، هرگز منکر حکومت پیامبر (ص) نشده‌اند. اعزام سفیران به شهرهای دور و نزدیک، نامه‌ها و پیام‌های پیامبر اکرم (ص)، جنگ‌ها و قراردادهای و... همه حکایت از رهبری دولت به دست ایشان دارد. این نوشتار در صدد است رابطه هجرت و تشکیل دولت نبوی را مورد بررسی قرار دهد. سوالاتی که در این چهار چوب مطرح می‌شود، عبارتند از:

- هجرت پیامبر و مسلمانان متأثر از چه عوامل اساسی بود؟

- چرا پیامبر یثرب را پایگاه و هجرت گاه خود قرار داد؟

- آیا هجرت اولیه‌ی مسلمانان به حبشه، تاثیرگذار بر هجرت اصلی مدینه بود؟

-در رفع تعارضات هجرت چه چیزی موثر بود؟

-تاثیر همزیستی مسالمت آمیز پیامبر، روی دولت نبوی چگونه بود؟

-آیا هجرت در روند و تشکیل دولت اسلامی مدینه موثر بود؟

عوامل موثر در هجرت پیامبر

در هجرت پیامبر عوامل زیر اثرگذار بودند: انسداد دعوت اسلامی و عدم پیشرفت، ایذاء و شکنجه های مشرکان مکه، بیعت یثربیان با پیامبر، نزول آیه جنگ و قتال با دشمنان (۳۹حج)، دستور پیامبر برای هجرت، تشدید آزار مشرکان در پی بیعت انصار، فراخوان قبایل مکه برای ترور پیامبر، تدبیر و اذن خدا بر هجرت، تداوم و تاثیر پذیرایی هجرت از هجرت های حبشی.

توضیح آنکه، در سال دهم بعثت، پیامبر همسر با وفای خود حضرت خدیجه و بزرگترین حامی خود؛ ابوطالب را از دست داد و به این ترتیب غمخوار داخلی و خانوادگی و حمایتگر و مدافع اجتماعی و پشتیبان نیرومندش به یکباره از دست رفتند و این سال سال عام الحزن نامیده شد. از این تاریخ به بعد فشار دشمنان بیشتر شد.

در طی چهارده سال دعوت رسول خدا به اسلام، در مکه، تعداد محدودی به اسلام گرویدند و آن عده کم نیز از آزار مشرکان در امان نبودند. در نتیجه، اسلام پیشرفت و گسترش چندانی نداشت و به بن بست رسیده بود. ابن هشام نیز عواملی را در سبب هجرت پیامبر به مدینه بر شمرده و می گوید: دستور جنگ با مشرکین مکه و بیعت انصار مدینه سبب شد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مسلمانانی که در مکه مورد شکنجه و آزار بودند، دستور مهاجرت به مدینه و پیوستن به مسلمانان آن سرزمین را بدهد. (ابن هشام، ج ۱، ۱۳۷۵:ص ۳۰۴)

بنابراین، سختیهایی که مسلمین در راه عقیده و دین خود از دشمنان اسلام و قریش متحمل شدند می تواند مهمترین سبب هجرت باشد و کلید تشکیل حکومت اسلامی و دولت نبوی در اینجا زده شد. چرا که کفار قریش هیچگاه اجازه انسجام مسلمین و تشکیل دولت اسلامی را نمی دادند. خداوند با اجازه به مسلمین برای مهاجرت از حرم خودش به شهر پیامبر قدرت و انسجامشان را

به کفار و دشمنان اسلام نشان داد. از طرف دیگر این ظرفیت یاری و مساعدت در یثربیان وجود داشت که با آغوش باز پذیرای مسلمین رنج کشیده باشند.

با اوضاع خفقان آور مکه و انسداد دعوت اسلامی، پیامبر و تازه مسلمانان از وضعیت موجود و آزار کفار قریش به تنگ آمده بودند و منتظر راه نجاتی بودند تا اینکه خزرجیان به مکه آمده و زمینه دیدار پیامبر با آنها فراهم شد آنها در این دیدار، دعوت نیکویی از پیامبر به دیار خود به عمل آوردند. ابن اثیر می‌گوید با اسلام آوردن انصار مشرکین قریش بر شدت آزار و اذیت خود بر مسلمانان مکه افزودند. به طوری که مسلمانان دچار وضع بسیار دشواری شدند و آنرا «فتنه واپسین» یعنی فتنه آخرین نامیدند. زیرا فتنه قبل از هجرت به حبشه را نخستین می‌گفتند. (ابن اثیر، ج ۷: ص ۱۱۵)

یکی دیگر از دلایل هجرت می‌تواند فراخوان قبایل عرب برای ترور پیامبر باشد. آنها وقتی از بیعت و پیمان یثربیان با پیامبر مطلع شدند با فراخوان دیگر قبایل تصمیم به قتل پیامبر گرفتند. (همان: صص ۱۱۸، ۱۱۷)

چرایی انتخاب یثرب به عنوان هجرتگاه

در چرایی انتخاب یثرب به عنوان هجرتگاه، عوامل زیر را می‌توان برشمرد: قرار گرفتن امر خدا بر این شهر، محبوبیت این سرزمین نزد خداوند، انتخاب و ترجیح پیامبر، دعوت یثربیان از رسول خدا، امنیت نسبی این شهر نسبت به مکه، زمینه‌های رشد و شکوفایی در این سرزمین.

امر خدا بر این قرار گرفته بود که هجرت به مدینه اتفاق بیفتد چرا که پیامبر این شهر را در خواب دیده بود. افزون بر آن، ظرفیت مردمش از کفار قریش بیشتر بود، از مشرکین و دشمنان اسلام در این شهر خبری نبود از این رو، از آزار آنها در امان بودند. اگرچه، یهود در شمار دشمنان پیامبر و مسلمین قرار گرفتند. اما پیامبر با پیمان نامه خود تا حدی به کنترل آنها پرداخت و آنها عداوت خود را کمتر بروز می‌دادند. نیز، دو قوم اوس و خزرج بیشتر در رأس امور بود.

بیهقی می‌گوید: پیامبر وقتی در مکه بود به یارانش فرمود محل هجرت شما را در خواب به من نشان داده‌اند؛ سرزمینی است بین دو سنگلاخ و دارای نخلستانهایی است. (بیهقی، ۱۳۶۲: ص ۱۴۳؛

بخاری: ص ۷۹۸) پس خواست خدا بر این قرار گرفت که پیامبر و مسلمانان آنجا را هجرتگاه خود برگزینند و پایگاه مهمی برای دولت اسلامی باشد.

بعد از اجازه پیامبر برای هجرت و به امر خدا، مسلمین به تدریج وارد مدینه شدند. پیامبر برایشان دعا کرد تا خدا مهر و محبت مدینه را به دل مهاجرین بیندازد تا بتوانند غربت و تنهایی و مشکلات مالی را تحمل کنند. پیامبر وقتی از مدینه خارج می‌شدند فرمودند خدایا مرا از محبوب ترین سرزمینی که در دل من بود بیرون بردی، اکنون مرا در محبوب ترین سرزمین خود ساکن کن و خداوند او را در مدینه سکونت داد. (بیهقی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۵)

با دعوت یثربیان از پیامبر و پذیرش پیامبر، یاران یثربی این نگرانی را داشتند که پیامبر دوباره به مکه باز گردد و تنهایشان بگذارد. لذا پیامبر به آنها این اطمینان را داد که این انتخاب نهایی است و تغییری در تصمیم ایشان وجود ندارد و آنجا را حرم خود میداند. بنابراین در پاسخ به سوال یکی از انصار که نگران بود پیامبر رهایشان کند و به مکه باز گردد به آنان اطمینان داد که در هر صورت، در کنار انصار خواهد بود و در صورت پیروزی به میان قوم خود - قریش مکه - بر نخواهد گشت. پیامبر(ص) فرمود: «خون در مقابل خون و ویرانی در مقابل ویرانی، من از شما می‌ترسم و شما از من هستید. می‌جنگم با آنکه می‌جنگید و در صلح هستم با آنکه در صلح هستید». (ابن کثیر، ج ۳: ص ۱۶۱) (طبری ج ۳، ۱۳۷۵: صص ۹۵۲-۹۵۳) (ابراهیم حسن: ص ۹۵)

بعد از اذن الهی به هجرت و انتخاب پیامبر بر یثرب، می‌توان به عامل مهم دیگر برای هجرت به این شهر اشاره کرد که دعوت یثربیان از پیامبر بود.

رسول خدا وقتی با برخورد خشن و خشک قریش در برابر دعوت اسلامی قرار گرفت در صدد بر آمد تا کسانی را بیابد که مستعد برای قبول اسلام و یاری رساندن به ایشان باشند. بنابراین، در میان حجاج اعزامی به مکه به تبلیغ دین مبین اسلام میپرداخت.

طبری می‌گوید: «پیامبر در موسم حج به دیدار و دعوت قبایل پرداخت و در عقبه، گروهی از قوم خزرج را بدید» آنان دعوت پیامبر را پذیرفتند و با پیامبر پیمان بستند. ناگهان، یثرب به مرکز توجه محمد(صلی الله علیه وآله) در راستای هجرت بدل شد. (طبری، ۱۳۷۵: ص ۸۹۵)

اختلافات و جنگهای خونین بین دو گروه از مردم یثرب میتواند زمینه ساز دیدار پیامبر و یثربیان باشد. یثرب سالها بود که در آتش اختلافات داخلی می‌سوخت و به دنبال راه نجاتی بود. جنگ باعث که سالها حاصلی جز خونریزی و نا امنی به دنبال نداشت، به تازگی خاتمه یافته بود. با مشکلات و جنگهایی که گریبانگیر دو قوم اوس و خزرج بود آنها در جویای راه حل و نجات از مهلکه ی اختلافات بودند.

نخستین ملاقات باارزش پیامبر با یثربیان، همان دیدار کوتاهی بود که منابع تاریخی صدر اسلام به آن اشاره کرده اند و آورده اند: آن حضرت با شش نفر از مسافران یثرب در مکه، موسم حج انجام داد و آنها را به اسلام دعوت کرد و قرآن برایشان تلاوت کرد و همگی آنها مسلمان شدند و پیش از ایشان هیچ کس مسلمان نشده بود. (ابن سعد ج ۱، ۱۳۷۴: ص ۲۰۴) ؛ (یعقوبی ج ۱، ۱۳۷۱: صص ۳۹۷-۳۹۸)

عهد پیامبر با شش خزرجی این بود که پیامش را به یثربیان برسانند و آنها وقتی به وطن رسیدند با هر کس که وی را آماده فهم حق می‌دیدند، صحبت می‌کردند. در همین ایام، اسلام به آرامی در حال گسترش در یثرب بود و زمینه هجرت مسلمانان و پیامبر به آنجا فراهم شد. بنابراین، یکی دیگر از علل انتخاب این شهر به عنوان هجرتگاه این بود که دو قوم قدرتمند اوس و خزرج که ریاست سیاسی و اجتماعی این شهر را به دست داشتند، با استقبال از پیامبر برای هجرت به این شهر و اعلام آمادگی در حمایت از ایشان، زمینه هجرت به این شهر را فراهم کردند. دیگر ساکنین این شهر که سه گروه یهود بودند، در مقابل اوس و خزرج، نتوانستند قدرت تحلیل رفته خود را باز یابی کنند و به مقابله با مساله ی مهم هجرت بپردازند و قدرت ناچیزی به حساب می‌آمدند. اگر چه، تحرکات مرموز و نظامی آنها به شکست، تبعید و ساقط شدن آنها انجامید. لذا رسول خدا نیز با طرح همزیستی مسالمت آمیز تا حدود زیادی به مهار آنها پرداخت. بنابراین، یثرب پایگاه امنی برای مسلمانان رنج کشیده به شمار آمد.

یثرب پایگاه امنی برای هجرت

اگر چه بعضی ساکنین این شهر بعد ها در شمار دشمنان متخاصم پیامبر قرار گرفتند و همسوی با مشرکان قریش به مخالفت و عداوت پرداختند اما نسبت به جو مکه که مشرکین قریش هیچ گونه آرامش و آسایشی برای مسلمانان باقی نگذاشتند این شهر امن تر و شرایط مساعد تری داشت. چرا که رسول خدا با پیمانها و عهد نامه ها جلو تحرکات و اقدامات آنها را گرفت و استارت تشکیل حکومت و جهانی شدن دعوت از این شهر زده شد.

پیامبر در مورد امنیت این سرزمین و آسودگی خاطر مسلمانان میفرماید: خداوند متعال برای شما برادرانی یاری رسان و خانه های امنی در مدینه قرار داده است. (ابن هشام، ج ۱، ۱۳۷۵:ص ۳۰۴)

بنابراین، همین مسائل زمینه های رشد و شکوفایی اسلام و مسلمانان را فراهم آورد. چنانچه این شهر دارای زمین های کشاورزی مساعدی بود و مشکل اقتصادی و بیکاری مسلمانان تا حد زیادی هموار می شد و گسترش اسلام از این سرزمین سبب جهانی شدن آن بود.

شهر مدینه اولین فرصت واقعی برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و یارانش بود تا خود را به صورت یک جامعه سازمان دهند. این جامعه جدید، شامل اعراب مقیم مدینه، که بعضی از ایشان تعلیم جدید را پذیرفته بودند و نیز یهودیانی بود که در آنجا زندگی می کردند و این جامعه را امت محمد (صلی الله علیه و آله) می خواندند. پیامبر اسلام به دلیل منزلت خاصی که به عنوان رسول و فرستاده خدا داشت، رهبر این جامعه - امت - شناخته می شد. (ریچارد بوش و همکاران: ۱۳۹۳)

بررسی مراحل ورود اسلام به یثرب

ورود اسلام به یثرب طی چندین مرحله اتفاق افتاد و همین در فراهم آمدن فضای امن و مناسب جهت پذیرش دین اسلام و تصمیم گیری و ثبات مردم در دین جدید موثر بود.

مرحله نخست؛ در سال یازدهم بعثت گروهی از قبیله خزرج، ساکن مدینه به حج آمدند که از دعوت پیامبر استقبال کردند و اسلام آوردند.

مرحله دوم؛ تعداد دیگری از یثربیان به مکه آمده و در قرار گاه مشخصی با پیامبر بیعت کردند.

مرحله سوم؛ ورود گروه بزرگتری از یثربیان به مکه و اتمام حجت در حمایت از پیامبر.

مرحله چهارم؛ بعد از هجرت اتفاق افتاد و فراگیر شدن اسلام در مدینه.

وقتی اسلام در این مراحل مختلف وارد مدینه شد، بالطبع در فراهم شدن زمینه مساعد و امن و گسترش اسلام می‌تواند موثر باشد. چرا که، دیدارها در این مراحل در خفا و با حفظ مسائل امنیتی و به دور از خطرات احتمالی قریش و یهود مدینه بود و ورود به یکباره در مدینه می‌توانست پیامد های ناگواری داشته باشد. چنانچه ابن کثیر می‌گوید: در عقبه، عباس واسطه دیدار پیامبر و یثربیان بود. (ابن کثیر، ج ۳: ص ۱۶۰)

پیامدهای بیعت انصار عبارت بودند از:

-بیعت بی شرط حرب؛ اولین بیعت در اسلام (همو، ج ۱: ص ۴۲۶)

- جایگاه و حضور زنان بین بیعت کنندگان (بیعت نساء)

- حساسیت دیدار نهایی و تعیین واسطه

- اعزام مبلغ و داعی اسلام به یثرب

- بیعت با شرط حرب یعنی پیمان نظامی و سیاسی (بیعه الحرب) (همان)

- تعیین نقیبان

گفته شده بین بیعت کننده ها با پیامبر زنان یثربی هم وجود داشتند. این موضوع، نشانگر تمایزات فرهنگی یثربیان با مکیان است و حکایت از اهمیت دادن به جایگاه زن در بین آنها دارد. این پیمان که بین آنها و پیامبر بسته شد، بیعت نساء نام گرفت. مولف کتاب تاریخ سیاسی اسلام می‌گوید "علت اینکه این پیمان را پیمان زنان گفته اند، شاید به این خاطر است که دختر یکی از یثربیان بین بیعت کننده ها بود و او نخستین زنی است که با پیغمبر پیمان کرد." (ابراهیم حسن، ۱۳۷۵: ص ۹۴) یکی دیگر از دلایل نامیده شدن بیعت عقبه اول به نساء می‌تواند این باشد که این بیعت مبنی بر دفاع از خانواده و زن بود. (ابن اثیر، ج ۷: ص ۱۱۵)

به این بیعت، بیعت بی شرط حرب نیز گفته شده است. چون هنوز آیه جنگ و قتال با دشمنان نازل نشده بود و این اولین بیعت در اسلام بود.

نتیجه مهم این پیمان مأموریت تبلیغی مصعب بن عمیر از جانب پیامبر اسلام در یثرب بود. فرستادن مصعب به یثرب، نقطه عطفی در تاریخ انتشار اسلام بود. او به عنوان اولین داعی اسلام و اولین مهاجر به مدینه است. پیامبر (ص) هنگام اعزام ایشان به یثرب آگاهی‌های لازم را از این شهر در

اختیار مصعب قرارداد. وضعیت شهر یثرب، آمادگی‌ها و مخالفتها را در برابر انتشار اسلام گوشزد کرد. (یعقوبی ج ۱، ۱۳۷۱: صص ۳۹۷-۳۹۸)

بیعت عقبه دوم، به دلیل تعهدات نظامی، «بیعه‌الحرب» نامیده شد؛ یعنی همان بیعت با شرط حرب، چون مبنی بر جنگ با سفید و سیاه و هر قوم و هر نژادی بود. (ابن اثیر، ج ۷: ص ۱۱۵) تعهدات سیاسی و نظامی پیمان، اهمیت خاصی دارند. از واقعی نقل است: وقتی آن هفتاد نفر عقبه دوم از نزد رسول خدا به طرف یثرب رفتند، پیامبر اطمینان پیدا کرد که خداوند برای حمایت او قومی را که با فنون رزمی و جنگی آشناست و دارای ساز و برگ است و مردمی شجاع و چالاک اند، فرستاده است. (ابن سعد، ۱۳۷۴: ص ۲۱۰) پس، تخصص و توانایی نظامی آنها در این بیعت مورد توجه بوده است.

در دیدار نهایی یثربیان با پیامبر، واسطه‌ی ارتباط عباس عموی پیامبر بود. چرا که اشراف مکه طبعاً از نفوذ اسلام در یثرب مطلع شده اند. همین امر ملاقات علنی را با مشکل روبرو می‌کند و خطرات احتمالی را به دنبال دارد. از این رو، برای امنیت و مصونیت رسول خدا و تازه مسلمانان یثربی، تدبیر الهی پیامبر کار ساز است و ارتباطات در خفا و دور از چشم دشمنان انجام می‌شود. تعیین واسطه، مشکلات را هموار نمود و این مسأله، تاثیر به‌سزایی در کاستن حساسیت مشرکان قریش ایفا کرد. نیز، توطئه‌ها را خنثی نمود. عباس حمایتش را از پیامبر اعلام می‌کند و اهمیت این موضوع را به یثربیان گوشزد و با آنها اتمام حجت می‌کند. مواضع قاطع عباس، آمادگی یثربیان در حمایت صمیمانه آنها را از پیامبر به دنبال دارد طوری که در یاری رساندن به پیامبر اعلام آمادگی می‌کنند.

ابن کثیر می‌گوید: عباس بن عبدالمطلب اولین کسی بود که شروع به سخن کرد و گفت: ای قوم خزرج (که همه انصار اعم از خزرج و اوس را مخاطب قرار می‌داد) محمد در میان ما دارای منزلت است. ما او را از قریش حمایت کرده‌ایم. او در بین قوم خود عزت دارد و حمایتش می‌کنیم. ایشان قبول کرده و به دیدار شما می‌آید. اگر در برابر دشمنان از او حمایت می‌کنید دعوت شما را می‌پذیرد [و به یثرب می‌آید] و به شما می‌پیوندد. اگر چنانچه می‌خواهید او را تسلیم دشمنان کنید

و یا بعد از خروج از میان قومش، احترامش را نگاه ندارید، همین حالا او را رها کنید. زیرا او در عزت و حمایت قوم و سرزمینش قرار دارد؛ «فأنه في عزه ومنعه من قومه و بلده» (ابن کثیر، ج ۳: ص ۱۶۰)

همچنین، سخنان عباس؛ عموی پیامبر، نشان می‌دهد که عقبه دوّم با قصد نهایی کردن و قطعیت بخشیدن به تعهدات متقابل پیامبر(ص) و نمایندگان مردم یثرب بوده است. پس از پیمان عقبه دوّم، اولین اقدام سیاسی - فرهنگی پیامبر(ص) تعیین نقیبان دوازده گانه از مسلمانان یثرب، به منظور گسترش نفوذ اسلام در این منطقه بود. طبری نقل می‌کند:

پیامبر خدا به نقیبان گفت: «بر کار قوم خویش هستید و مانند حواریان عیسی بن مریم، سرپرست آنهاید، و من نیز سرپرست قوم خویشم» (طبری ج ۳، ۱۳۷۵: ص ۹۰۳)؛ (بیهقی، ۱۳۶۱: ص ۱۳۶)؛ (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ص ۴۰۱) پس از تعهد یثربیان پیامبر به آنها فرمود از بین خود دوازده نفر به عنوان نقیب انتخاب کنید تا نماینده شما باشد و به امورتان رسیدگی کند. مانند حواریون عیسی (علیه السلام) آنها نه نفر از بین خزرج و سه نفر از بین اوس انتخاب کردند. این نقباء مسئولین و رؤسای بودند که نقش واسطه ای را به عهده داشتند و دیگر قوم به آنجا مراجعه می کردند.

هجرت به یثرب (مدینه) و مشکلات فرار

هجرت مسلمانان مکه نقطه عطف مهمی در تاریخ اعتقادی - سیاسی اسلام است. آنان در مکه، بستگان و دیار و اموال و زندگی خود را فقط با توکل به خدا و به امید رضای او رها کردند و فقط چند نفر موفق شدند که مقداری از اموال قابل حمل را با خود به مدینه ببرند. اگرچه یثرب هجرتگاه امنی برای مسلمین بود اما مشکلات مالی و معیشتی مسلمانان مهاجر همچنان ادامه داشت. «بلاذری» روایت می‌کند که ابوبکر به هنگام هجرت پنج هزار درهم و عثمان نیز در حالی هجرت کرد که هفت هزار درهم همراه داشت. (البلاذری، ج ۱: ص ۲۶۱)؛ (احمد العلی، ۱۳۸۱: ص ۷۳) این عده، بسیار کم بودند و بقیه که اکثریت را تشکیل می‌دادند، بدون هیچگونه مال و ذخیره‌ای دست به هجرت زدند.

یکی دیگر از مسائلی که در دولت نبوی مورد توجه بود اقتصاد و معیشت بود. پیامبر بعد از هجرت به وضع معیشتی مهاجران توجه خاصی داشتند. زیرا آنها تمام دارایی و زندگی خود را در مکه به جا گذاشتند و اکنون در فقر و نداری به سر می‌بردند. پیامبر در نخستین خطبه ای که در بدو ورود به مدینه فرمودند به این موضوع توجه داشتند و همه آن خطبه را به بحث اقتصادی اختصاص دادند. پیامبر برای حل بحران معیشتی مهاجران، از مفاهیم مذهبی و پاداش اخروی استفاده کردند. وحی الهی همیشه به مثابه یک راهنما همراه نبی اکرم بوده است و پیامبر را به لحاظ اصول و برنامه‌های اقتصادی کنترل می‌کرد. وحی در مراحل مختلف پیامبر را موظف می‌داشت که در جهت توزیع محدود ثروت و جلوگیری از انحصارها و نابرابری‌ها، برنامه‌ریزی کند. خداوند در خطاب به نبی اکرم اعلام می‌داشت که زمین و آنچه در آن هست، از آن خداوند است. بنابراین، باید ثروتمندان با پرداخت زکات به مستمندان، عدالت را در جامعه جاری کنند. با توجه به این گفتمان، پیامبر با دعوتی آشکارا به همبستگی و پیوند میان تمامی مسلمانان از انصار و مهاجر اقدام نمودند. مهاجران در کنار انصار و در خانه‌های آنان فرود آمدند. (عثمانی، ۱۳۸۷)

مشکلات مالی و معیشتی مسلمانان مخصوصا مهاجران، تا حد زیادی با مساعدت انصار و حمایت آنها هموار شد و در یاری رساندن به برادران خود به پیامبرشان لیبیک گفتند. اما تعارضاتی همچنان وجود داشت.

تعارضات بعد از هجرت در جامعه ی مدینه

بعد از هجرت و ورود مهاجران به مدینه النبی و وجود گروه های مختلف ساکن در آن تعارضات و اختلافاتی به وجود آمده بود که می توان به بعضی از آنها اشاره کرد از جمله :

الف) تفاوت های رفتاری و فرهنگی

مهاجرانی که از مکه به مدینه آمده بودند دارای خلق و خو، آداب و رسوم و فرهنگ خاص خود بودند که با فرهنگ، آداب و رسوم و حتی خلق و خوی انصار تفاوت داشت. در میان یثربیان، زن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود به طوری که مهاجرانی که به یثرب آمده بودند از نفوذ زنان در مدینه شگفت زده و تحت تأثیر قرار گرفتند. روایت است که عمر بن خطاب پس از مهاجرت به مدینه، گفته است: زمانی که در میان قریش بودیم بر همسران خود تسلط داشتیم، تا این که در

مدینه دیدیم زنان بر مردها مسلط هستند، بعد از آن دیدیم زنان ما نیز شیوه آنها را یاد گرفتند. جایگاه زن در میان یثربیان را می‌توان از حضور زنان ایشان در بیعت عقبه دوم درک کرد. چون بیشترین بیعت کننده‌ها زنان بودند و به نام بیعت نساء معروف شد. شغل انصار کشاورزی بود. در مراسمات خصوصاً نماز جمعه با همان لباسهای صحرا شرکت می‌کردند. مهاجران این موضوع را ناپسند دانستند و به پیامبر شکایت کردند. پیامبر برای رفع آن مسأله دستور داد تا مسلمانان برای شرکت در نماز جمعه غسل کنند بنابراین غسل جمعه در ردیف سنت‌های اسلامی درآمد. (فلاح زاده، قاضی خانی، ۱۳۹۱)

(ب) رقابت‌های سیاسی

برخی از مهاجران نمی‌خواستند که دو گروه مهاجر و انصار مدینه با یکدیگر متحد و یکی باشند بلکه همواره در صدد جدایی آندو از یکدیگر بودند. شاهد این مطلب آنکه در ماجرای تعیین سرنوشت بنی‌قریظه آن‌گاه که سعد بن معاذ توسط پیامبر(ص) فراخوانده می‌شود، با ورود او حضرت دستور می‌دهد که «برخیزید و نزد بزرگ خود بروید و او را احترام کنید». مهاجر و انصار درباره این‌که منظور پیامبر چه کسی است، دچار اختلاف شدند. مهاجرین می‌گفتند منظور پیامبر کسی از انصار است و انصار خطاب پیامبر(ص) را متوجه تمام حاضرین می‌دانستند. عمر بن خطاب در مقابل رسول‌خدا(ص) موضع‌گیری می‌کند و از اینکه پیامبر سعد را سید مهاجر و انصار خوانده بود، گفت: خدا سید ماست. نیز، جدا بودن پرچم مهاجرین و انصار می‌تواند شاهد دیگری بر این رقابت‌ها باشد. (همان)

(ج) تعارض‌های اوس و خزرج

دو قبیله اوس و خزرج از گذشته با یکدیگر رقابت و درگیری داشتند. با آمدن رسول خدا (ص) هر چند از این کینه و دشمنی دست کشیدند اما اثرات آن در بعضی مواقع خود را نشان می‌داد. نمونه اش ماجرای درگیری این دو قبیله بر اثر تحریک و فتنه انگیزی شاس بن قیس یهودی بود. (همان)

اقلیت‌های دینی واگرا

با وجود تلاش پیامبر(ص) جهت جذب و گرایش یهودیان به حکومت اسلامی، و بستن پیمان نامه با آنها اما، آنان در صدد مبارزه با رسول خدا(ص) و مسلمانان و عهد شکنی برآمدند. و تا جایی پیش رفتند که در مقابل حکومت اسلامی دست به سلاح بردند. (همان)

پیمان برادری اولین اقدام پیامبر و تدبیری الهی برای رفع تعارضات

پیمان برادری بین مسلمان (مهاجرین، انصار) در مدینه به عنوان یکی از مهم‌ترین و نخستین اقدامات سیاسی، اجتماعی پیامبر اسلام، پس از هجرت از مکه به مدینه از اهمیت خاصی برخوردار است که رمز تشکیل امت واحده در صدر اسلام می‌باشد.

قبل از ورود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به شهر یثرب اختلافات ریشه‌داری میان دو قوم این شهر وجود داشت و هر چند وقت یک بار این دو گروه یعنی اوس و خزرج به جان هم می‌افتادند و پس از کشت و کشتار و خرابیهای زیادی که به بار می‌آوردند برای مدتی دست از جنگ می‌کشیدند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای پایان دادن به اختلاف میان دو قبیله اوس و خزرج و کوتاه کردن دست یهود غارتگر به کمک وحی الهی قراردادهای طرحهایی تدوین کرد که به عقیده مورخان و دانشمندان محکمترین پایه پیشرفت اسلام با همین طرحها و قراردادهای پی‌ریزی شد و پس از چندی از همین مردم متفرق و ناتوان، امت واحد و ملتی نیرومند تشکیل داد و شهر یثرب به صورت بزرگترین پایگاه سیاسی و نظامی جزیره العرب درآمد، و بدین وسیله اسلام در سراسر جهان توسعه یافت. بنابراین، از جمله کارهای لازم و مهمی که انجام شد، پیمان برادری و اخوتی بود که آن حضرت میان مهاجر و انصار بست و بدین ترتیب مهاجرین را که احساس غربت و بی کسی می‌کردند از پریشانی‌های رهایی بخشید.

مسلمانان مهاجر، ظاهراً در اوایل زندگانی خود در مدینه، علاوه بر مشکلات مالی، با برخی دلتنگی‌های عاطفی و نیز ناراحتی‌های ناشی از تغییر آب و هوا مواجه بودند. پیامبر اسلام دعا کرد که خداوند محبت مدینه را نیز همانند مکه در دل مهاجران قرار دهد. اعلان پیمان اخوت نیز در راستای تخفیف همین مشکلات و دلتنگی‌ها بود. این پیوند با پیمان هجرت مهاجران و نیز پیمان

حمایت‌های انصار مدینه تفاوت داشت. زیرا بر اساس آن روابط اجتماعی عمیق‌تر میان آنان بوجود می‌آمد. (ابن هشام، ج ۱، ۱۳۷۵:ص ۳۳۷)

پیوند برادری که ظاهراً در ماههای نخستین هجرت صورت گرفت و برخی آن را در فاصله ماه پنجم و هفتم هجرت ذکر کرده‌اند، امری فردی و اختیاری بود که التزام مالی به همراه داشت. این پیوند ظاهراً در دو مرحله؛ ابتدا میان مهاجرین سپس میان مهاجرین و انصار صورت گرفت. (ابن کثیر، ج ۳: صص ۲۳۵-۲۴۳) مقریزی در تعداد افراد آن می‌گوید: تعداد ۴۵ مرد از مهاجرین و همین تعداد از انصار که در بین آنان، هفده نفر از شرکت‌کنندگان پیمان عقبه نیز بودند، این پیوند را بین خود برقرار کردند. (مقریزی، ج ۱: ص ۶۹) عقد و پیمان اخوت دینی، از دشمنی‌های دیرینه و اختلافات قبیله‌ای کاست و رسوم جاهلی و اسباب برتری جویی را از بین برد. همچنین، امتیازات نسبی را از بین می‌برد و روحیه صفا و برادری دینی جانشین آن می‌شد. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸: ص ۳۴۹) امام علی (علیه السلام) فرمود: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شکاف‌های اجتماعی را بوسیله وحدت اصلاح و فاصله‌ها را به هم پیوند می‌داد.» (فلم الله به الصدع، ورتق به التتق و...).

(نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱)

از آنجا که مهاجر و انصار پرورش یافته دو محیط مختلف بودند، در طرز تفکر و معاشرت، فاصله زیادی با هم داشتند "اوس" و "خزرج" که جمعیت انصار را تشکیل می‌دادند صد و بیست سال با هم جنگ کرده بودند. با این اختلافات، حیات دینی و سیاسی اسلام به هیچ وجه امکان پذیر نبود. پیامبر (ص) تمام این مشکلات را حل نمود از طرف خداوند مأمور شد مهاجر و انصار را با هم برادر کند. روزی در یک انجمن عمومی به مسلمانان فرمود: «تَأَخَّوْا فِي اللَّهِ اخْوِينَ اخْوِينَ» دوتا دوتا باهم برادر شوید. (ابن هشام، ج ۲، ۱۳۷۵:ص ۳۴۹)

همزیستی مسالمت آمیز و نخستین قانون اساسی

خدای متعال ضمن آیه شریفه رسول گرامی خود را به خاطر مدارا و اخلاق نیکویش می‌ستاید و می‌فرماید: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ: به برکت رحمت الهی، در برابر مردم نرم و مهربان شدی، و اگر خشن و سنگ دل

بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آن ها را ببخش و برایشان آمرزش بخواه. (۱۵۹/ آل عمران)

آیه شریفه مؤیدی بر سیره مسالمت آمیز و نیکوی پیامبر با دشمنان و جای دادن آنها در پناه حکومت اسلامی مدینه می باشد. برقراری اخوت و وحدت یکی از اهداف اجتماعی اسلام است. اسلام با مطرح کردن برادری بین مسلمانان، پیوند و اتحاد آنها را محکمتر کرد. همین باعث ارتباط سالم و همزیستی همراه با صلح و آرامش برایشان شد. شکی نیست که اسلام با طرح اخوت در میان مسلمانان خواستار برقراری روابط سالم با دیگر ملتها از جمله یهود و نصارا و دیگر اقوام بود و با آنها پیمان نامه امضاء کرد.

بر اساس گزارشات تاریخی، در سال اول هجرت، درخانه های مدینه افرادی با اعتقادات متضاد وجود داشت و مسلمانان با مشرکان، درحالی که خویشاوند یکدیگر به حساب می آمدند در یک خانه با یکدیگر زندگی می کردند. به طوری که از یکدیگر ارث میبردند. ابن سعد میگوید: طبق پیمان اخوت، هر برادر ایمانی از دیگری ارث می برد و از حق برابر برخوردار می شد و کسانی که در مکه بودند هرچند از خویشاوندان مرده باشند ارث نمی برند. (ابن سعد، ۱۳۷۴: ص ۲۲۴)

ادامه این همزیستی دوستانه اگر چه در سایه وحدت و اخوت تا مدتی ممکن بود اما به مرور زمان مشکل آفرین می شد. از سوی دیگر، اگر چنانچه این همزیستی در داخل خانه ها به تضاد نمی رسید، اما در درون اجتماع با تعارضاتی مواجه می شد. درکنار این گروه های متضاد فکری، یهودیان هم در شهر زندگی می کردند. یهودیان یترب با وجود وحدت دینی که داشتند اما مجموعه سیاسی و نظامی واحدی حساب نمی شدند و با اوس و خزرج هم پیمان شده بودند. بعد از هجرت ارتباط آنها با مسلمین مبهم بود و مشخص نشده بود. از طرفی، علاقه جدی پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به همزیستی و ایجاد زمینه های اجتماعی برای گسترش اسلام، پیامبر و مسلمانان را بسوی ایجاد وحدت در قالب جامعه ی مدینه کشاند. (نصیری، ۱۳۹۲: صص ۱۲۷، ۱۲۸) بنابراین رسول خدا برای اینکه جلوی خرابکاری یهود و تحرکات دشمنان اسلام را در مدینه بگیرد، قرار دادی تدوین کرد که بگفته مورخین محکمترین پایه پیشرفت اسلام با همین قرار داد ریخته شد و

نیز تدبیر رسول گرامی اسلام در تشکیل امت و تنظیم امور مردم مختلف العقیده را می‌رساند. بر این اساس به فرمان خدا، منشور مقدسی که قسمتی از قانون اساسی حکومت اسلامی بود، از سوی پیامبر اعلام شد.

به دنبال تحقق پیمان اخوت بین دو گروه مهاجر و انصار، رسول گرامی اسلام دیگر تدبیر خود را برای یهودیان و مسلمانان در قالب پیمان نامه و نخستین قانون اساسی تدوین کرد و همزیستی مسالمت آمیز را در پناه همین پیمان طرح ریزی کرد. چنانچه مسلمان و یهودی با دو دین و عقیده متفاوت زندگی آرام و بدون دغدغه را در کنار یکدیگر آغاز کردند. بنابراین، یکی دیگر از دستاوردهای هجرت همزیستی مسالمت آمیز در پناه عهد نامه بود.

این منشور؛ نخستین قرارداد بین المللی در اسلام و مهم ترین و جامع ترین پیمانی است که به وسیله پیامبر (ص) بین مسلمانان، مشرکان و یهود بسته شده است. براساس این پیمان رابطه ی بین مسلمانان (اعم از مهاجر و انصار) و رابطه ی میان مسلمانان و یهود رابطه ی میان مسلمانان و مشرکان و وظایف هر دسته مشخص شد. هدف اصلی این پیمان حفظ امنیت و همزیستی مسالمت آمیز همه اقوام گوناگونی است که در مدینه زندگی می‌کرده اند. با توجه به مفاد این پیمان حتی برای مشرکان نیز مسائلی در نظر گرفته شده که نشان می‌دهد روش اسلام در برخورد با گمراهان روش زور گویانه نبوده است. (همان)

دولت نبوی و تشکیل ارتش

گفته شد که یثرب در هنگام هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) متشکل از قبایل مختلفی بود که هیچ نظم و وحدت خاصی نداشتند. مهمترین تلاش پیامبر در جهت تنظیم روابط و ساختار اجتماعی مدینه بود. پیامبر اسلام همچنین، علاوه بر اقداماتی، از قبیل پیمان عقبه، هجرت، پیمان برادری، سرانجام به تأسیس مسجد؛ که نخستین پایگاه جهت اجتماع مسلمین در دولت مدینه النبی، که لازمه ی تشکیل چنین دولتی است. اقدام نمود. مسجد، در آن زمان تنها یک مرکز برای عبادت پروردگار نبود بلکه مساجد یکی از مراکز اجتماع مسلمین برای اداره جامعه و دیگر مسائل و آموزش و یادگیری احکام دین بودند. پس، ابتدا مسجد تاسیس شد و زمینه تشکیل دولت مدینه النبی فراهم شد. با تأسیس مسجد و تشکیل دولت مدینه النبی ارتش نیز شکل گرفت. حفظ و

حراست دولت جدید که در محاصره ی سه مثلث شوم؛ یهود، نفاق و شرک قرار داشت، جز با داشتن ارتش قوی و نیرومند ممکن نبود.

پیامبر اسلام در دورانی که در مکه بودند تنها یک رهبر الهی بودند و فعالیتهای ایشان در حد تبلیغ دین، هدایت و ارشاد و مبارزه فکری و اعتقادی با مشرکان و بت پرستان بود اما پس از اقامت در یثرب علاوه بر تبلیغ دین و رسالتش و رهبری دینی، باید رهبری سیاسی مسلمانان را نیز بر عهده می گرفت. زیرا در مدینه وضع جدیدی پیش آمده بود و خطرات و مشکلات احتمالی را پیش بینی، و با تدبیر چاره اندیشی می کرد. سوره ها و آیاتی که راجع به احکام و دستورات سیاسی، اجتماعی در مدینه نازل شد، باعث شد پیامبر به بعضی اقدامات سیاسی دست بزند چنانکه از طرف خداوند اجازه جهاد و دفاع داده شد. به دنبال این دستور پیامبر تصمیم به تشکیل نیروی دفاعی گرفت و جهت حفظ مرکز اسلامی از خطر حمله ی مشرکین و دیگر دشمنان احتمالی در اواخر سال اول هجرت، هسته ی اولیه ی ارتش اسلامی را پی ریزی کرد. این ارتش از نظر نیروی انسانی شصت تا سیصد نفر بود و سال دوم در جنگ بدر سیصد و چند نفر، اما در فتح مکه سال هشتم تعداد سربازان اسلام بالغ بر ده هزار نفر بود و از نظر تجهیزات نظامی و دفاعی بسیار پیشرفته بودند. (پیشوایی، ۱۳۸۲: صص ۲۲۱، ۲۲۲)

نتیجه گیری

هجرت پیامبر به مدینه سبب شد اسلام و مسلمانان سازمان یافته و منسجم شوند و هسته دولت اسلامی شکل گیرد. تعارضات هجرت به موجب ایجاد پیمان برادری بین مهاجر و انصار از بین رفت. هجرت، اسلام را از شکل منطقه ای و محدود بیرون آورد و آن را جهانی کرد و سبب گسترش اسلام و افزایش مسلمانان شد. نیز، یک پارچگی مسلمانان و تشکیل دولت نبوی و ارتش اسلام و همچنین، ایجاد مرکز قدرت برای مسلمانان و مهار دشمنان و سرکوب آنها را هم به دنبال داشت.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن سعد. (۱۳۷۴). طبقات کبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه
- ۲- ابن هشام. (۱۳۷۵). سیره نبویه، مترجم سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی، چاپ پنجم
- ۳- ابن خلدون. (۱۳۶۳). العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبد الحمید آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۴- ابن کثیر. (۱۴۰۷ / ۱۹۸۶). البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر
- ۵- احمد العلی، صالح. (۱۳۸۱). دولت رسول خدا، مترجم هادی انصاری، پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم، چاپ اول
- ۶- ابراهیم حسن، حسن. (۱۳۷۶). تاریخ سیاسی اسلام (از آغاز تا انقراض دولت اموی) ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، چاپ سوم
- ۷- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷). انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر
- ۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، مختصر صحیح بخاری، اختصارکننده ابو العباس الشجرى الزبیدی، مترجم عبدالقادر تشابی
- ۹- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین. (۱۳۶۱). دلائل النبوه، مترجم محمود مهدوی دامغانی: تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه
- ۱۰- پیشوایی، مهدی. (۱۳۸۲). تاریخ اسلام تا رحلت پیامبر اسلام، قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم
- ۱۱- جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد: دارالعلم للملایین، جلد ۶
- ۱۲- حموی، یاقوت. (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت: دارصادر
- ۱۳- زرگری نژاد، غلام حسین. (۱۳۷۸). تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سمت، چاپ اول
- ۱۴- سیدرضی، نهج البلاغه. (۱۳۹۰). ترجمه علی شیروانی، نسیم حیات، چاپ ششم
- ۱۵- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، چاپ پنجم

۱۶- مقریزی، امتاع الاسماع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسسی، بیروت: دارالکتاب العلمیه
۱۷- مقدسی، احسن التقاسیم (۱۳۶۱). مترجم علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان

ایران

۱۸- مجلسی، محمد باقر. (بی تا). حق الیقین، سازمان انتشارات جاویدان
۱۹- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین، جلد چهارم، انتشارات زرین، چاپ دوم
۲۰- منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۸۹). تاریخ اسلام تا سال چهلیم هجری، تهران: سمت، چاپ ۵
۲۱- نصیری (رضی)، محمد. (۱۳۹۲). تاریخ تحلیلی اسلام، دفتر نشر معارف، ویراست دوم، چاپ

یازدهم

۲۲- واعظ، خرگوشی. (۱۳۷۱). شرف النبی، مترجم نجم الدین محمود راوندی، تهران: بابک
۲۳- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضع. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، ترجمه ابوالقاسم پاینده:
انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم

مقالات

۱- فلاح زاده، محمد حسین، قاضی خانی، حسین، بررسی تاریخی زمینه های بروز تعارض در
دولت مدینه النبوی، ۱۳۹۱، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، گروه تاریخ ویژه نامه پیامبر
اکرم (شماره چهل و نهم فصلنامه تاریخ اسلام)

۲- عثمانی، محمد: ۱۳۸۷ مقاله دولت نبوی، باشگاه اندیشه

www.bashgah.net/fa/content/search

۳- سایت تبیان، اندیشه قم، مقاله اوضاع یثرب پیش از اسلام . www.tebyan-zn.ir/. سایت
تبیان، زنجان، گروه دین و اندیشه

۴- بوش، ریچارد و همکاران، ۱۳۹۳، شماره ۱، پیشینه تاریخی و خاستگاه جغرافیایی اسلام، ترجمه
عبدالرحیم گواهی، نشریه اینترنتی سفیر دانایی (آشنایی با ادیان

بزرگ) safirdanii.50webs.com

